



گزارش «جوان» از کاهش بارندگی تا اصلاح کشت که نیاز به توجه و یارانه دارد

آمارهای مصرف آب در بخش‌های کشاورزی، صنعت و شرب درست نیست!

مصرف آب در بخش کشاورزی ۵/۶۵ درصد است و ۳۵ درصد مابقی در بخش شرب و صنعت مصرف می‌شود

آب که نباشد هیچ چیز نیست، برای همین است که گفته شده است: «آب ما به حیات است» و اگر حیات نباشد، دیگر نه اقتصاد معنا دارد، نه فرهنگ و نه سیاست به همین دلیل باید مسئله بحران آب جدی گرفته شود و قبل از اینکه راهی برای حل این مشکل پیدا کنیم، باید از منابع آبی کشور حفاظت شود. در حال حاضر وضعیت پیچیده و دشواری ایجاد شده است که بی‌توجهی به آن تبعات زیانباری را به همراه خواهد داشت. طبق آمار منتشرشده و تحلیل کارشناسان حوزه آبی، مهم‌ترین مسئله امروز در کشورمان «بحران آب» است. از یک سو میزان بارندگی‌ها در بسیاری از نقاط کشور نسبت به سال گذشته کاهش داشته و از سوی دیگر اقلیم کشورمان گرم و خشک است و به دلیل مسئله گرمایش زمین، متوسط دمای زمین بیشتر از سال قبل افزایش پیدا خواهد کرد که این مسئله منجر به تبخیر بیش از پیش ذخایر آبی در سدها خواهد شد.

مهرماه ۱۴۰۱ قانون اصلاح الگوی کشت کشاورزی توسط مجلس ابلاغ شد که اجرای صحیح و کارشناسانه آن می‌تواند موجب کشت راهبردی هوشمندانه در جهت مدیریت مصرف آب و افزایش بهره‌وری در شرایط خشکسالی و بحرانی منابع آبی شود که تحقق این امر، نیاز به همراهی و احساس مسئولیت مسئولان، کارشناسان و همچنین کشاورزان دارد.

بارندگی‌های مقطعی نباید گول‌مان بزند

محمود یزدانی، کارشناس آب در باره وضعیت فعلی منابع آبی کشور به «جوان» می‌گوید: «اقلیم کشور ما خشک و نیمه‌خشک است و از همین رو درگیر خشکسالی است، این در حالی است که سرانه بارش در کشور ما نسبت به سال گذشته ۱۷/۷ درصد کاهش یافته، البته این عدد مطرح‌شده، میانگین بارش در کل کشور است. بر اساس آمار منتشرشده هشت استان بارندگی بهتری داشته‌اند اما ۲۳ استان میانگین سرانه بارش‌شان حتی به سال قبل هم نرسیده است. علاوه بر آن بیش از سه چهارم حجم آبی که وارد کشور ما می‌شود، به دلیل زاویه تابش نور خورشید تبخیر خواهد شد، یعنی اگر ۲۴۰ میلیمتر بارندگی داشته باشیم، ۱۸۰ میلیمتر آن بخار می‌شود که وضعیت بحران آب را تشدید خواهد کرد.»

این کارشناس آب به بحران وضعیت آب در تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حالی که تهران نسبت به سال گذشته ۲۲ درصد کاهش بارندگی در بلندمدت داشته است اما با جمعیت ۱۴ میلیون نفری، بین ۳۵ تا ۴۵ هزار لیتر بر ثانیه آب مصرف می‌کند. با نزدیک شدن به فصل گرم و افزایش مصرف آب برای استفاده از کولر، استخر و استحمام بیشتر مصرف آب در تهران افزایش پیدا خواهد کرد. در همین راستا چند روز پیش اعلام شد قرارگاه شرایط اضطرار آب با محوریت و ریاست اداره کل مدیریت

بحران استان تهران تشکیل می‌شود.»

یزدانی با اشاره به مسئله «فریب ذهن» می‌گوید: «اگر کسی وارد بیمارستان شود به ذهنش متبادر خواهد شد که همه مردم مریض هستند یا اگر یک نفر به فروشگاه برود و جمعیت زیادی را در آنجا ببیند، می‌گوید همه از ثروت کافی برخوردار هستند. این اتفاق هنگام بارندگی نیز رخ می‌دهد و ذهن فریب می‌خورد که بارندگی خوب است و کمبود آب وجود ندارد، به همین دلیل به مصرف بیش از حد آب در زندگی و کارهای‌شان ادامه می‌دهند.» او در پاسخ به این سؤال که با وجود کاهش بارندگی و افزایش دما و کاهش ذخایر منابع آبی چه کارهایی باید انجام شود، می‌گوید: «بیش از ۷۰ درصد بارندگی‌ها در فصل پاییز و زمستان رخ داده است، ۲۵ درصد بارندگی‌ها هم در فصل بهار رخ می‌دهد و ۵ درصد هم در فصل تابستان خواهد بود، یعنی عمده بارشی که می‌خواستست در سال بارشی جاری اتفاق بیفتد تا الان رخ داده، بنابراین تنها امیدمان به ۲۵ درصد بهار و ۵ درصد تابستان است. در این بین کارشناسان حوزه آبی با کمک رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما باید تلاش کنند ضرورت توجه به بحران آب و

همچنین فرهنگ‌سازی در مصرف آن را برای مسئولان و عموم مردم تبیین کنند.»

این کارشناس آب ادامه می‌دهد: «آیا موضوعات اقتصادی مهم است؟ حتماً مهم است. آیا حقوق شهروندی اهمیت دارد؟ قطعاً اهمیت دارد، اما اگر آب نباشد، هیچ کدام اینها وجود نخواهد داشت چراکه دیگر حیاتی وجود ندارد،



بنابراین به مسئله آب باید توجه ویژه‌ای شود و همه دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای همکاری و هماهنگی یکدیگر استفاده از آن را به بهترین شکل ممکن مدیریت کنند.»

یزدانی می‌گوید: «بر مصرف‌ترین و مهم‌ترین بخش که باید مصرف آب در آن مدیریت شود، بخش کشاورزی است که

امین محمودی، کارشناس کشاورزی: با اجرای صحیح الگوی اصلاح کشت، میزان بهره‌وری آب در بخش کشاورزی افزایش می‌یابد، اما مشکلاتی در اجرا وجود دارد



محمدجواد سمیعی، کارشناس آب:

کارهای نمایشی مسئولان بلای جان منابع آبی شده است



کدام سازمان‌ها و نهادها در ایجاد چالش آبی کشور نقش داشتند؟

همه نقش داشتند و همه مقصرند. در ابتدا حاکمیت آب تقصیر دارد، یعنی جایی که وظایف وزارت نیرو، اسانامه شرکت مدیریت منابع ایران و سایر بخش‌های مرتبط با آب که قانوناً مشخص شده‌اند، بخش حکمرانی و حاکمیت آب را بر عهده دارند. بخشی که انبوه معجزه‌ها حکمرانی و بخش فرهنگی‌اش چندان دیده نشد، ایجاد مشکل کرد. ما حکمرانی تک‌جانبه داشتیم، راهکارهای عمدتاً ناظر به ساخت‌وساز راه‌حلی بود که خودش تبدیل به مسئله‌های جدید شده است. روزمرگی و رویکرد اینکه من امروز را با این تابستان را سپری می‌کنم تا ببینم بعداً چه می‌شود نیز آسیب‌های زیادی به منابع آبی کشور وارد کرد. در واقع مسئله آب به رغم بیهوشی بسیاری که دارد، اولویت نداشته است که اگر اولویت داشت در طول هفت ماه گذشته این حجم از جاه‌های جدید زده نمی‌شد، البته گزارش دقیق و شفافی در این رابطه نداریم اما گزارش‌های پراکنده حاکی است دهها و بلکه صدها چاه جدید تقریباً در هر کلاتشهر و هر شهری که تصور کنید حفر شود برای اینکه مصرف آب به شیوه قبلاً ادامه داشته باشد. این در حالی است که دهه‌هاست دشت‌هایی مثل دشت تهران، یعنی جایی که میلیون‌ها موهون ما زندگی می‌کنند توسط وزارت نیرو، ممنوعه اعلام شده است. حجم این حفاری‌ها نشان می‌دهد نجات و حفاظت از آب برای تصمیم‌گیران ارزش چندانی ندارد.

ساز و کاری برای برخورد با مسئولی که بخشی از منابع آبی کشور را با کارهای اشتباهش از بین برده وجود ندارد، به همین دلیل هر چند وقت یک‌بار یک مسئولی می‌آید و می‌رود و بابت کارهای اشتباهی که انجام داده است نیز مورد تقدیر و تشکر قرار می‌گیرد



می‌شود و در شرایطی که از ز به دشواری وارد کشور می‌شود، باید ارزش زیادی را برای برنج خارجی صرف کنیم، کمالاتی که آمار سال گذشته واردات برنج خارجی نشان می‌دهد میزان واردات برنج با افزایش بسیار زیادی مواجه بوده است، طبق آخرین آمار ۱۱ ماهه همگرم حدود ۲ میلیون دلار از منابع ارزی کشورمان صرف واردات برنج شده است.»

محمودی ادامه می‌دهد: «اصلاح الگوی کشت طرح بسیار خوبی است که چالش‌های دیگری نیز دارد، مثل اینکه دولت بدون ارائه تسهیلات نخواهد توانست آن را به خوبی اجرا کند. مثلاً برنج کار جنوب کشورمان، وقتی تسهیلات به او داده نشود، نمی‌رود کنجید بکار. او کاشت کنجد کولیوی ۵۰ هزار تومان را در مقابل برنج کولیوی ۱۰۰ هزار تومان انتخاب نخواهد کرد، بنابراین دولت باید تسهیلات در اختیار او قرار بدهد تا بتواند از عهده هزینه خانوار، تحصیل و ازدواج فرزندانش بر بیاید.»

او تأکید می‌کند: «اگر چالش‌های موجود در اجرای طرح اصلاح الگوی کشت مورد بررسی قرار نگیرد و بر طرف نشود، بعید است این طرح در سال‌های اولیه بتواند به موفقیت برسد.»

این کارشناس کشاورزی به کاشت محصول بر اساس اقلیم استان‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «در بخشی از اجرای طرح اصلاح الگوی کشت، تمام استان‌های مرزی منقطع‌بندی شدند تا محصولات خاصی را بر اساس اقلیم‌شان تولید کنند. طبیعتاً اگر این اتفاق بیفتد که اتفاق به شدت مثبتی است و چالش‌های آن رفع شود، شاهد آن خواهیم بود که هم کشاورزی توسعه می‌یابد و هم در مصرف آب صرفه‌جویی می‌شود.»

لزوم توجه به آبخیزداری

محمودی به آمارهای اشتباه منتشرشده از سوی وزارتخانه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «آماری که توسط مسئولان وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی منتشر شده و در رسانه‌ها نیز آن را منتشر می‌کنند که مصرف آب در بخش کشاورزی ۹۰ درصد است، درست نیست، مصرف آب در بخش کشاورزی ۵/۶۵ درصد است و ۳۵ درصد مابقی در بخش شرب و صنعت مصرف می‌شود اما ناشی‌هایی که از طریق لوله‌های آب وجود دارد آن را هدر می‌دهد. با اجرای صحیح و مدیریت شده الگوی اصلاح کشت، بخش کشاورزی می‌تواند میزان مصرف آب را بپهنه کند، در غیر این صورت با سیاست‌های کاهش تولیدات در بخش کشاورزی، امنیت غذایی‌مان تهدید می‌شود.»

او در پایان تأکید می‌کند: «برای توسعه منابع آبی کشورمان در سه بخش شرب، صنعت و کشاورزی باید به سمت آبخیزداری روییم تا از بارندگی‌ها بیشترین بهره را ببریم. در غیر این صورت با سایر راهکارهای ارائه‌شده و اجراشده مثل انتقال آب، کاری از پیش نمی‌توان برد.»

داده است، گاه درخواست‌هایی مبنی بر اینکه با فلان چاه غیرمجاز برخورد نشود یا از فلان چاه مجاز برداشت بیشتری صورت بگیرد یا حتی در مناطقی که نباید سد زده می‌شد اما فشار آوردند که حتماً آن سد احداث شود و انبوه درخواست‌هایی که هر کدام به تنهایی حجم بزرگی از مشکل نبودند اما در کنار یکدیگر مشکلات عمده‌ای را برای منابع آبی کشور ایجاد کردند. همچنین جامعه دانشگاهی که باید این حجم از اشکالات را فریاد می‌زد یا حتی صدا و سیما می‌که می‌توانست در زمینه اطلاع‌رسانی یا فرهنگ‌سازی مؤثر واقع شود این کار را نکرد. شهرداری‌هایی که فرقی نمی‌کند در سال خشک یا غیرخشک باشیم، آنها فارغ از همه اینها به توسعه پوشش گیاهی آبر کمر همت بسته‌اند و کمتر توجهی به مشکلات آبی برای تعیین نوع و الگوی کاشته‌شده در فضای سبز داشته‌اند. تمام اینها به علاوه و ذی‌نفعان بسیاری. در هر کسبی به بهایی و بهانه‌های سهم خودش را برای نجات آب انجام نداده، مقصر است.

ساز و کاری برای برخورد با مسئولی که منابع آبی کشور را با کارهای اشتباهش از بین برده وجود دارد؟

نه. متأسفانه آمارهای مخدوش و کارهایی نمایشی انجام می‌شود اما خبری از پاسخگویی وجود ندارد. در این سال‌ها هیچ مدیری را در هیچ سطحی ندیدیم که مسئولیت کارهایش را بپذیرد یا کسی آنها را مؤاخذه کند. معمولاً مدیران برای پاسخگویی نسبت به اشتباهات‌شان فرافکنی می‌کنند و در یک چرخه معیوب هر کسی مشککش را به دوش فرد یا نهاد دیگر می‌اندازد. به عنوان نمونه در چند سال گذشته مدیر استانی که رکورددار کسری آب‌های زیرزمینی است، ادعا کرد بخش بزرگی از مشکل را حل کرده است. هر چند کارشناسان هشدار دادند این امر با شواهد و قرائن همخوانی ندارد، حتی در این رابطه اعلام موضع‌های کاملاً مشخص و شفاف هم داشتند اما بعداً این مدیر کنار گذاشته شد اما هیچ‌گاه مورد مؤاخذه قرار نگرفت که چرا نتوانست تعادل میان مصرف و منابع را برقرار کند و آمار غلط اعلام کرده است. این گونه سوءمدیریت‌ها سال‌هاست وجود دارد.

عدم نظارت بر عملکرد مدیران ناکارآمد چه اثر سویی در ادامه روند دارد؟

هر از گاهی نهادی یا مجموعه‌ای اعلام می‌کند که دیگر قصد برخورد داریم و قرار است با متخلفان در حوزه آبی برخورد شود اما هیچ‌گاه چنین اتفاقی نیفتاده است،

بنابراین آقایان آن تخلفات را تکرار می‌کنند و بدتر اینکه گره‌های مشکلات آبی کوتر از قبل می‌شود، اما می‌بینیم که مراسم تقدیر و تشویق هم برای آنها برگزار می‌شود.

در این شرایط پیش آمده اصلی‌ترین راهکارها چیست؟

تابستان خشکی را در پیش داریم و متأسفانه انبوهی چاه در شهرها و کلاتشهرهای مختلف در همین چند ماه اخیر احداث شده و روند اشتباه فشار بیشتر بر آب‌های زیرزمینی ادامه دارد. مهم‌ترین اقدام این است که آمار دقیق از سوی بخش آب ارائه شود که چه تعداد حلقه چاه حفر شده است. این حق عموم بهره‌برداران و چاه‌داران و چاه‌اندان است که بدانند چه اتفاقی در این بخش رخ داده است، اگر گفته می‌شود بخش این چاه‌ها در شرایط اضطرار بوده است، با فرض اینکه درست باشد باید برنامه زمانبندی ارائه کنند تا این روند جبران شود و با خرید چاه‌های سایر بخش‌ها، آنها را به نفع آب‌های زیرزمینی مسدود کنند. بیش از این به این منابع بارز فشار نیابیم. همچنین فضای شهری باید فضایی متناسب با منابع آبی‌مان باشد. باید شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی پیشقدم شوند چراکه وقتی دستگاه‌های دولتی آب‌مان و فضای سبزی دارند که در گنج ما حجم زیادی آب باید به آنها داده شود، نمی‌توان از مردم انتظار مشارکت داشت. در روزهای اخیر نامه‌ای داشتم از مدیر ابغای یکی از کلاتشهرهای کشور که به زیرمجموعه خودش ابلاغ کرده بود، کاشت چمن و پرچین متوقف شود و آنچه دارند بیش از این آبیاری نشود. هر چند این یک گام کوچکی است اما در جای خودش ارزشمند است و این کار باید به فضاهای شهری و دستکته‌های دولتی تسری پیدا کند. چنین تجربی در کشورهای دیگر نیز وجود داشته که متناسب با عمق و گستردگی بحران تصمیماتی گرفته شده است. مثلاً در فرانسه هنگام مواجهه با کم‌بارشی، تغییرات جدی را در مصرف مختلف‌شان مثل فضای سبز یا حتی کارواش‌های‌شان در نظر می‌گیرند، اما در کشور ما فقط فشار بر منابع آبی معطوف می‌شود و از مصارف غافلیم که این نامعقول است. علاوه بر آن، فضای فرهنگی و آموزشی مربوط به مسائل آبی هم باید علمی و صحیح، نه شعارگونه باشد. ما نیاز به افزایش سواد آبی چه در میان مدیران و چه در میان عموم جامعه داریم؛ اینکه در درستی از شرایط و وضعیت منابع آبی نداشته باشیم، پادمان باشد صرفاً نمی‌شود یا شعارهای صرفه‌جویانه سراغ مقابله با کم‌آبی رفت. راه‌حل‌های تحلیلی یا اولویت‌های چندمی را به‌تجوی رنگ تکنیم که جای اولویت اصلی را بگیرد.